

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



بیست و سومین کنگره سراسری قرآن کریم سمپاد

رشته مفاهیم قرآن کریم

موضوع مقاله:

دام های شیطان!

نام محقق:

سجاد مقید

معاون پرورشی مدرسه:

آقای مجید تقوی

سال تحصیلی دوم متوسطه

مدرسه شهید بهشتی ۲ ارومیه

مقدمه

« تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْحَكِيمِ هُدًى وَرَحْمَةً لِّلْمُحْسِنِينَ »

این آیات کتاب سراسر حکمت است ، که مایه ی هدایت و رحمت برای نیکوکاران است .

چشم ها از سراسر جهان به اسلام دوخته شده ، می خواهند اسلام را از نو بشناسند ، حتی خود مسلمانها ! و این به دلایل مختلفی است که از جمله « انقلاب اسلامی کشور ما » و « جنبش های اسلامی در نقاط دیگر جهان » را می توان نام برد ، که افکار همه ، مخصوصاً نسل جوان را تشنه ی شناخت هرچه بیشتر اسلام ساخته است .^۱

نزدیک ترین و مطمئن ترین راه برای شناخت اسلام مطالعه قرآن که تنها کتاب آسمانی دین ماست و نیز راهنمایی خواستن از سخن گویان دین ، یعنی پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و اهل بیت ایشان (علیهم السلام) و علمای دینی که همان جانشینان امامان هستند می باشد . امروز که ما به امامان دسترسی نداریم باید قدر علمای راستین دین را بدانیم و به سفارش امامان با آنان همنشین شویم .

باید باور کنیم که جواب هر سؤالی درباره ی زندگی که ذهن ما را به خود مشغول می کند در یکی از این دو راه قرار دارد . جستن جواب در خارج از این دو راه درست مانند جستن آب شیرین از دریای شور است .

باید ایمان داشته باشیم که خدایی که ما را آفرید و از مادر به ما مهربانتر است تنها ، مصلحت ما را می خواهد و مصلحت های ما که همان صراط مستقیم است را در قرآن قرار داده و هر چقدر که از قرآن غافل شویم از صراط مستقیم جا مانده ایم .

و درست از همان زمان خلقت انسان ، شیطان نیز دام های خود را پهن کرد و تمام جهات را پر کرد از دام های خود ، غیر از صراط مستقیم ، پس هر کس که از این راه کنار بیافتد بی شک در دامهای شیطان خواهد افتاد . به خاطر همین است که شیطان به زبان خود خطاب به خداوند می گوید : « به عزتت سوگند ، همه آنان را گمراه خواهم کرد ، مگر بندگان خالص تو ، از میان آنها! »^۲ پس هر کس که در صراط مستقیم حرکت کند در امان خواهد بود . چه خوب است با پیروی از قرآن و سنت

^۱ تفسیر نمونه ، آیت الله مکارم شیرازی ، ج سی ام ، ۱۳۸۸ ، پیش گفتار

^۲ سوره ص / ۸۲ و ۸۳

پیامبر(ص) و اهل بیت پاکش در راه راست حرکت کنیم و از دام های شیطان در امان باشیم .

سوره ی لقمان

میان مفسران مشهور است که این سوره در مکه نازل شده و پیرامون عقاید اساسی دینی مثل مبدأ ، معاد و نبوت بحث می کند.

بر اساس تفسیر نمونه محتوای کلی این سوره در پنج بخش خلاصه می شود:

بخش اول که بعد از ذکر حروف مقطعه اشاره به عظمت قرآن و هدایت و رحمت بودن آن برای مومنان دارای شرایط ویژه اشاره می کند و در مقابل ، افراد لجوج که در برابر آیات این کتاب مقاومت می کنند و با ایجاد سر گرمی های ناسالم که همان دام های شیطان هستند سعی می کنند دیگران را نیز از قرآن منحرف کنند .

بخش دوم از نشانه های خدا در آفرینش آسمان ، بدون ستون دیدنی و کوه ها و جنبندگان مختلف و نزول باران و پرورش گیاهان سخن می گوید .

بخش سوم قسمتی از سخنان لقمان حکیم است که به فرزندش نصیحت می کند که از توحید و مبارزه با شرک شروع شده و با توصیه به ترک غرور و تکبر و... که از دام های کشنده شیطان هستند پایان می یابد . در تمام قرآن نام لقمان تنها دو بار ، آن هم در این سوره آمده است .^۱

بخش چهارم دوباره به دلائل توحید اشاره می کند و سخن از تسخیر آسمان و زمین و نعمت های بسیار پروردگار و نکوهش منطق بت پرستان که بر اساس تقلید از نیاکان است می گوید و از آنها در باره مسئله خالقیت اقرار می گیرد که پایه عبودیت است .

و نیز از علم گسترده و بی پایان خداوند پرده برداشته و از توحید فطری که تجلی آن هنگام گرفتار شدن در امواج بلا است ، با استدلال جالبی بحث می کند .

و **بخش پنجم** اشاره کوتاه و تکان دهنده ای به مسأله معاد و زندگی پس از مرگ دارد . به انسان هشدار مدهد که در دام شیطان گرفتار نشده و به این دنیا مغرور نشود و به فکر سرای جاویدان باشد .

^۱ تفسیر سوره لقمان ، محسن قرائتی ، چ چهارم ، ۱۳۸۲ ، ص ۱۳

نام گذاری این سوره به **سوره ی لقمان** به خاطر همان اندرز های لقمان به پسرش است که چند مورد از دام های شیطان در این اندرزها مورد توجه قرار گرفته است . این سوره تنها سوره ای در قرآن است که از این مرد حکیم سخن به میان آورده است.^۱

فضیلت سوره لقمان

روایات متعددی در فضیلت قرائت این سوره از پیامبر گرامی (ص) و اهل بیت (علیهم السلام) نقل شده . در فضیلت این سوره همین بس که از رسول اکرم (ص) روایت شده که هر کس این سوره را بخواند ، لقمان در قیامت دوست و رفیق او می شود و به عدد کسانی که کار خوب یا بد کرده اند ده حسنه به او داده می شود.^۲

^۱ تفسیر نمونه ، ج ۱۷ ، ص ۱۶

^۲ تفسیر نسیم حیات ، ابولفضل بهرام پور ، چ سوم ، ۱۳۸۹ ، ج ۲۱ ، ص ۱۳۹ ، به نقل از مجمع البیان ، ج ۸ ، ص ۳۱۲

دام های شیطان!

از همان زمان که شیطان به خاطر کبر و غرور به امر خدا عمل نکرد و به آدم سجده نکرد و رجیم شد قسم خورد که برای انسان دامهایی مهیا کند و او را از یاد خدا غافل کند و به اطاعت از خود وسوسه کند و خداوند نیز در همان ابتدا سر نوشت کسانی را که از شیطان پیروی می کنند مشخص کرد و در پاسخ به ابلیس فرمود:

« جهنم را از تو و هر کدام از آنان (انسان ها) که از تو پیروی کند ، پر خواهم کرد! »^۱

ابلیس که خود زمانی بنده خدا بود و تنها به خاطر غرور و کبر خود رانده ی درگاه خداوند شد ، می دانست که به دام انداختن انسان ها به این سادگی نیست و خطاب به خداوند گفت که: «به عزتت سوگند ، همه آنان را گمراه خواهم کرد ، مگر بندگان خالص تو ، از میان آنها!»^۲

ابلیس در همان آغاز کار ثابت کرد که لحظه ای انسان را آزاد نخواهد گذاشت و باز خطاب به خداوند گفت: «اکنون که مرا گمراه ساختی من بر سر راه مستقیم تو در برابر آنها کمین می کنم! سپس از پیش رو و از پشت سر و از طرف راست و از طرف چپ آنها به سراغشان می روم و بیشتر آنها را شکرگزار نخواهی یافت!»^۳

اولین کاری که ابلیس پس از رانده شدن کرد وسوسه حضرت آدم بود که منجر به اخراج او از بهشت شد و بعد مسأله هابیل و قابیل و بعد...

اوضاع طوری شد که در مدت کوتاهی فرزندان آدم خدا را فراموش کردند و معبود های ساختگی را پرستیدن و عرصه بر مومنان تنگ شد تا خدا مومنان را به وسیله کشتی نوح نجات داد و همه کفار را در آب غرق کرد . ولی باز هم دامهای شیطان کار خود را کردند و دوباره انسان ها را از خدا غافل کردند تا جایکه امروز هم در دنیا افراد بی دین ، شیطان پرست ، بت پرست و وجود دارند .

ما چگونه باید از دام های شیطان در امان باشیم ؟ آیا راه نجاتی داریم ؟ آیا می توانیم خود را از عذاب آتش دور کنیم ؟

پاسخ تمام این سوالات در قرآن که تنها کتاب زندگی برای انسان است قرار دارد . کتابی که تنها شامل سخنان خداست . کتابی که حامل آن جبرئیل و دریافت

^۱ سوره ص / ۸۵

^۲ سوره ص / ۸۲ و ۸۳

^۳ سوره اعراف / ۱۶ و ۱۷

کننده و اولین مفسر آن پیامبر اکرم(ص) و منتشر کنندگان آن اهل بیت(علیهم السلام) هستند . چنین کتاب ارزش آن را دارد که تنها کتاب زندگی خوانده شود .

همان طور که در معرفی سوره لقمان گفته شد معروف میان مفسران این است که سوره لقمان مگّی است و سوره های مکی از اصول اعتقادی اسلام سخن می گویند و همین طور در این سوره ها برخی دام های شیطان نیز معرفی می شود .

با توجه به این که مخاطب اکثر آیات این سوره ها کافران و مشرکان و یا تازه مسلمان شده ها هستند چنین موضوعاتی لازم است .

در اوایل سوره لقمان از یکی از خطرناکترین دام های شیطان بحث می شود که عامل بسیاری از گمراهی ها می باشد و آن لجاجت و تکبر در برابر حق و حقیقت می باشد .

در ادامه ی سوره و مخصوصا در نصایح لقمان حکیم نیز به چند مورد از دام های شیطان اشاره شده و برایشان راه حل هایی ارائه شده . در ادامه به این دامها به صورت کلی تر می پردازیم .

لهو الحديث

این سوره در آیه ششم ، اولین دام شیطان را معرفی می کند (وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَ يَتَّخِذَهَا هُزُوًا أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُهِينٌ) . دامی که تا کنون افراد زیادی را گرفتار کرده است و هر روز شکلی تازه به خود می گیرد و هر روز نقابی تازه به صورت می زند .

کلمه **لهو** به معنای چیزی است که انسان را از هدف مهم بازدارد . **لهو الحديث** به سخن بیهوده ای گویند که انسان را از حق بازدارد ، نظیر حکایات خرافی و داستانهایی که انسان ها را به فساد و گناه می گشاند . این انحراف گاهی به خاطر محتوای سخن است و گاهی به خاطر اسباب و ملازمات آن از قبیل آهنگ و امور همراه آن ^۱ .

درست بعد از معرفی این دام ، هدف آنرا مشخص می کند و در واقع نوعی مرزبندی بین لهو الحديث و سخنان دیگر می کند چرا که هر سخنی که با هدف گمراهی از راه خدا گفته شود لهو الحديث است و یا به عبارت دیگر لهو الحديث سخنی است که هدف آن گمراهی از راه خداست .

در مورد شأن نزول این آیه گفته اند که این آیه درباره **نضر بن حارث** نازل شده است ^۲ . او مرد تاجری بود که به ایران سفر می کرد و در ضمن داستان های ایرانیان را برای قریش بازگو می کرد و می گفت اگر **محمد** برای شما سرگذشت **عاد و ثمود** را نقل می کند ، من داستانهای **رستم و اسفندیار** و اخبار **کسری و سلاطین عجم** را باز می گویم ! آنها دور او را گرفته و استماع به قرآن را ترک می کردند ^۳ .

این یک نمونه از لهو الحديث است ؛ داستانی که به خودی خود لهو الحديث نیست بلکه چون با هدف گمراه کردن مردم از راه خداست لهو الحديث خوانده می شود و همین داستانها را فردوسی با هدف پند گرفتن مردم از آنها با عقاید دینی همراه کرده و طوری نقل می کند که نه تنها خواننده را از راه راست منحرف نمی کند که برخی از آداب جوانمردی ، اخلاق ، توکل به خدا و... را به زبان شعر و داستان به او می آموزد .

^۱ تفسیر سوره لقمان ، صص ۱۸ و ۱۷ ، به نقل از تفسیر المیزان ، ذیل آیه مورد بحث

^۲ تفسیر نسیم حیات ، ج ۲۱ ، ص ۱۴۴ ، به نقل از مجمع البیان ، ج ۸ ، ص ۳۱۳

^۳ تفسیر نمونه ، ج ۱۷ ، ص ۲۳

بعضی دیگر گفته اند این آیه درباره مردی است که کنیز خواننده ای خریداری کرده بود و شب و روز خوانندگی می کرد و او را از یاد خدا غافل می ساخت.^۱

همان طور که بیشتر مفسران گفته اند **لهو الحدیث** معنا و مفهوم گسترده ای دارد و همه اینها را در بر می گیرد.

مثلاً همان طور که در ابتدای این بخش نقل شد داستانهای خرافی هم از جمله **لهو الحدیث** هستند. ولی در طول سالیان درازی که از ظهور اسلام می گذرد برخی آگاهانه و برخی نا آگاهانه داستان های خرافی را وارد دین کردند و امروزه این داستان ها به بخشی از دین عده ای در آمده است و متأسفانه امروز وقتی سخن از خرافه به پیش می آید در نظر بعضیها عقاید دینی به نظر می آید. طوری که وقتی کسی بیشتر خرافی باشد عده ای نادان او را دیندارتر از بقیه به حساب می آورند.

یا روزنامه ها و رسانه های خارجی و وابسته های داخلی که بر ضد دین و اعتقادات اسلام و تخریب شخصیت های دینی می گویند و می نویسند همه مورد خشم آیات کریمه قرآن هستند که از آنها به **لهو الحدیث** تعبیر کرده است. متأسفانه منحرفین وابسته داخلی هم برای گمراه کردن مردم دروغ پردازی های بیگانگان را در کشور اسلامی پخش می کنند و این عمل در مقابل چشمان برخی مسئولین کشوری تحت عنوان آزادی بیان ادامه پیدا می کند. این امور است که بازار **قران را کساد و لهو الحدیث** را رونق می بخشد.^۲

اینکه **لهو الحدیث** به جای **حدیث اللهو** آمده است اشاره به این است که اصل در آن لهو و بیهودگی است و سخن و حدیث وسیله. بنابراین ممکن است این وسیله، فیلم و میز گرد و رمان های عشقی و... باشد پس حرمت آنها نیز ثابت می شود.^۳ به شرطی که هدف آنها گمراه ساختن از یاد و راه خدا باشد و لازم نیست خود به زبان بگوید من می خواهم با این کار از یاد خدا غافل شوم یا دیگران را غافل کنم بلکه این هدف در ضمیر نا خودآگاه فرد شکل می گیرد. امروز می بینید که بیشتر فیلمها، خارجی هستند و می بینید برخی کمپانی های فیلمسازی مثل هالیوود هدفی جز بی دینی مردم جهان ندارند. متأسفانه برخی فیلمسازهای داخلی نیز از آنها پیروی

^۱ تفسیر نمونه، ج ۱۷، ص ۲۳

^۲ همان، صص ۱۴۴ و ۱۴۵، خلاصه

^۳ همان، ص ۱۴۷

می کنند . بیشتر بازی های رایانه ای ساخت آمریکا جزو همین مصداق لهو و لعب است ، هم از نظر محتوا و هم از نظر قالب .

چه بسا غرق شدن در تماشای برخی ورزش ها که یکی پس از دیگری مداومت پیدا می کند که به صورت دائم و پی در پی انسان را به خود مشغول می کند و از آموزش دین و ایمان و دیگر تکالیف دین باز می دارد . امیر مومنان علی(علیه السلام) فرمودند : «هر چیزی که انسان را از یاد خدا غافل کند در حکم قمار است .»

پس مرز میان **لهو الحدیث** و سخنان درست ، مرز بسیار باریکی است و تنها در هدف از سخن مشخص می شود . پس حتی گاهی سخنانی که مفید به نظر می آیند نیز می توانند مصداق همین **لهو الحدیث** باشد . مثل برخی داستان های آموزنده که گاهی انسان بدون تفکر و تنها با هدف سرگرم شدن آنها را می خواند یا برخی مستند های علمی ماهواره ها که هدف اصلی آنها چیز دیگری جز چیزی است که نشان می دهند و غیره و غیره .

متأسفانه امروزه می توان گفت دنیای غرب می خواهد جاهلیتی فرا تر از جاهلیت اعراب جاهل قبل از اسلام برای مردم به ارمغان بیاورد ؛ البته با عنوانها و شعارهایی فریبنده و زیبا مثل آزادی و موسیقی = غذای روح ؛ و این ما هستیم که به برکت قیام امام خمینی(ره) در کشوری اسلامی زندگی می کنیم و باید نگذاریم این دام شیطان که اکنون در دست کشور های غربی و به خصوص آمریکاست ما را گرفتار خود کند ما باید به فردایی بهتر که آزاد از دامهای شیطان باشیم فکر کنیم نه اینکه در این دامها غرق شویم .

جالب این است که در آیات قبل سخن از محسنین و مومنین بود و اینجا سخن از گروهی است که در مقابل این دو قرار دارند . در اینجا سخن از گروهی است که سرمایه های خود را در راه بیهودگی و گمراهی مردم استفاده می کنند و بدبختی دنیا و آخرت را برای خود می خرند! «... یَشْتَرِي...»

جالبتر اینکه **لهو الحدیث** در مقابل **الكتاب الحكيم** آمده و این یعنی هرچه در مقابل حکمت قرار بگیرد ، لهو و مانع رسیدن به کمال است . پس خرید وسایل لهو و

اموری که انسان را از کمال باز می‌دارد، نشانه جهالت و نادانی اوست. «يَشْتَرِي لَهْوَ
الْحَدِيثِ ... بِغَيْرِ عِلْمٍ»^۱

در پایان آیه به کسانی که به دنبال **لهو الحدیث** هستند عذابی خوار کننده
و عده داده شده. پس چرا ما خود را سرگرم لذت‌هایی کنیم که پایشان ذلت و آتش
باشد. در این باره از امام علی(ع) نقل شده که فرمودند: «در لذت‌هایی که پایشان دوزخ
است خیری نیست.»^۲

^۱ تفسیر سوره لقمان، ص ۱۹
^۲ همان، ص ۲۳، به نقل از دیوان امام علی(ع)، ص ۲۰۴

غنا

خوانندگی و آهنگ ها و شعر و ترانه های عاشقانه ای که از وصف چشم و ابروی اشخاص بیرون نمی رود و محتوای آن گمراه کننده و کشاننده به سوی فحشا باشد مخصوصا اگر این اشعار شامل وصف زنان و تعریف محرمات باشد از محرمات مسلم میان شیعه و سنی است.^۱

در منابع اسلامی دلائل زیادی برای حرام شمردن غنا در دست است مثل همان آیه گذشته و بعضی آیات دیگر از آیات قرآن که بر غنا دلالت کرده یا غنا از مصادیق آن است .

در حدیثی از امام صادق(ع) می خوانیم که در تفسیر آیه ۳۰ سوره حج (وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ) فرمودند: «سخن باطل همان غنا است.»^۲

در حدیثی از جابر ابن عبد الله از پیامبر(ص) نقل شده می خوانیم: «شیطان اولین کسی بود که غنا خواند.»^۳ و همان طور که می دانیم در مورد دجال نیز گفته شده که از موسیقی و غنا برای جذب افراد استفاده می کند .

دوباره از ایشان روایت است که فرمودند: «آموزش کنیزان خواننده و خرید و فروش آنها حرام است و درآمدی که از این راه به دست می آید نیز حرام است چراکه خداوند فرموده است «وَمِنَ النَّاسِ مَنُ يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ ...»^۴

در احادیث دیگر به غیر از احادیثی که به تفسیر قرآن می پردازند نیز به همین موضوع اشاره شده ؛ به طور مثال :

در حدیثی دیگر که ابن مسعود از ایشان نقل می کند: «غنا روح نفاق را در قلب پرورش می دهد ، همان گونه که آب گیاه را.»^۵

^۱ تفسیر نسیم حیات ، ج ۲۱ ، ص ۱۴۶

^۲ تفسیر نمونه ، ج ۱۷ ، ص ۳۱ ، به نقل از وسائل الشیعه ، ج ۱۲ ، ص ۲۲۵

^۳ همان ، ص ۳۱ ، به نقل از وسائل الشیعه ، ج ۱۲ ، ص ۲۳۱

^۴ تفسیر نسیم حیات ، ج ۲۱ ، ص ۱۴۴ ، به نقل از مجمع البیان ، ج ۸ ، ص ۳۱۳

^۵ همان ، ص ۳۲ ، به نقل از تفسیر روح المعانی ذیل آیه مورد بحث

در حدیث دیگری از امام صادق(ع) چنین آمده است: «خانه ای که در آن غنا باشد، ایمن از مرگ و مصیبت دردناک نیست. دعا در آن به اجابت نمی رسد و فرشتگان وارد آن خانه نمی شوند.»^۱

و باز در حدیث دیگری از ایشان می خوانیم: «غنا، روح نفاق را پرورش می دهد و فقر و بدبختی می آفریند.»^۲

روایات در این زمینه به قدری زیاد است که به حد تواتر رسیده است و به همین دلیل اکثر علمای اسلام فتوا به حرمت غنا داده اند. بنابراین در حرمت غنا شکی نیست و حال مشکلی و جود دارد و آن اینکه غنا چیست؟

آنچه از مجموع سخنان فقهاء و اهل سنت در این زمینه می توان استفاده کرد این است که غنا، آهنگهای طرب انگیز و لهو و باطل است. و یا به عبارت دیگر، غنا، آهنگهایی است که متناسب با مجالس فسق و فجور و اهل گناه و فساد می باشد. باز به تعبیر دیگر غنا به صوتی گفته می شود که قوای شهوانی را در انسان تحریک می کند و انسان در آن حال احساس می کند اگر در کنار آن صدا، شراب و فساد جنسی نیز باشد کاملاً مناسب است!^۳

باید به این نکته نیز توجه کرد که گاهی یک آهنگ هم خودش لهو و باطل است و هم محتوای آن، مثلاً اشعار عشقی و فساد انگیز را با آهنگ های غنا بخوانند و گاه تنها محتوا غناست و گاه تنها آهنگ آن غنا به حساب می آید، مثلاً اینکه اشعار پر محتوا یا آیات قرآن و دعا و مناجات و اذان و ... را با آهنگی بخوانند که مناسب مجالس عیاشان و فاسدان است و در هر دو صورت حرام می باشد.

با توجه به همه اینها متوجه می شویم که متأسفانه برخی مداحی ها و مولودی خوانی ها نیز همین ویژگی ها را دارند یعنی با آهنگی خوانده می شوند که مناسب مجالس فاسدان است و گاهاً وزن آنها از برخی ترانه های حرام است و یا حتی گاهی متن نیز از همان است و سخنانی را که در آن ترانه به فرد دیگری خطاب می شد در این نوحه به امام حسین(ع) یا امام دیگری خطاب می شود. امروز می بینیم که برخی

^۱ همان، ص ۳۱، به نقل از وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۲۲۵

^۲ همان، ص ۳۱، به نقل از وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۲۳۰

^۳ تفسیر نمونه، ج ۱۷، ص ۳۳

از مجالس عزاداری ماه محرم با مجالس بَلک متال تفاوت چندانی ندارند و اگر به دنبال منشأ این انحراف ها باشیم مطمئناً به دشمنان خدا و دین خدا می رسیم .

ترویج فساد اخلاقی و دور شدن از روح تقوا و روی آوردن به شهوات و گناهان تا انجاست که حتی یکی از سران بنی امیه (با آن همه آلودگی) اعتراف می کند که غنا حیا را کم می کند و شهوت را زیاد می کند . شخصیت را در هم می شکند و همان کاری را می کند که شراب می کند.^۱

آنچه که از منابع مختلف درباره آثار غنا به دست می آید بر چند اصل استوار است :

۱. فساد اخلاقی:

تجربه نشان داده که بسیاری افراد تحت تأثیر آهنگ های غنا ، راه تقوا و پرهیزکاری را رها کرده و به شهوات و فساد روی می آورند . مجالس غنا معمولاً مرکز انواع مفاسد هستند و آنچه این مفاسد را رونق می بخشد همین غنا است .

و اگر در روایات آمده است که فرشتگان در خانه ای که غنا در آن است وارد نمی شوند به خاطر همین آلودگی به فساد است . چرا که فرشتگان پاکند و خواستار پاکی اند و از این محیط های آلوده بیزارند.^۲

۲. غفلت از خدا:

غفلت از خدا ، غفلت از وظیفه ، غفلت از محرومان ، غفلت از آینده ، غفلت از امکانات و استعدادها ، غفلت از دشمنان ، غفلت از نفس و شیطان . انسان امروز با اینهمه پیشرفت در علم و تکنولوژی ، در آتشی که از غفلت او سر چشمه می گیرد می سوزد . همانطور که در قرآن کریم اشاره شده غفلت از خدا انسان را با حیوان هم ارزش می کند و حتی از آن هم پایینتر (أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ)^۳

تعبیر به لهو که در تفسیر غنا در بعضی روایات اسلامی آمده است اشاره به همین حقیقت دارد که غنا انسان را آنچنان مست شهوت می کند که از یاد خدا غافل می سازد .

^۱ تفسیر سوره لقمان ، ص ۲۱

^۲ تفسیر نمونه ، ج ۱۷ ، ص ۳۶

^۳ سوره اعراف / ۱۷۹

و در حدیثی از امام علی(ع) می خوانیم: «هرچیزی که انسان را از یاد خدا غافل سازد (و در شهوت فرو برد) در حکم قمار است.»^۱

۳. آثار زیانبار آهنگ های تحریک آمیز و مبتذل بر

اعصاب:

امروزه اینگونه آثار بر کسی پوشیده نیست. کسی نمی تواند آنرا کتمان کند هر چند شعار افرادی که طرفدار اینگونه موسیقی ها هستند این است که می گویند موسیقی غذای روح است و موسیقی به انسان آرامش می بخشد ولی وقایعی که همه ما شاهد آنها هستیم درست نقطه مقابل این را نشان می دهد. اگر کسی چند بار از تاکسی استفاده کرده باشد به راحتی و آشکارا می فهمد که رانندگانی که به موسیقی های غنا گوش می دهند تحمل کمتری دارند، زود عصبانی می شوند، از بوق و حرف های زشت بیشتر استفاده می کنند و ... آیا آثار مثبت موسیقی بر اعصاب و روان اینگونه است؟ آیا کسانی که از صوت خوش قرآن لذت می برند اینگونه هستند؟ آیا کسانی که به موسیقی های غیر غنا مثل همانهایی که در تفاسیر آمده است گوش می کنند اینگونه هستند؟

از پیامبر اکرم(ص) نقل شده که فرمودند: «از هر چه مست می کند بپرهیزید.»^۲

در حقیقت یکی از عوامل مهم تخدیر اعصاب، غنا و موسیقی می باشد. به همین جهت گاهی غنا و آهنگ های مخصوص، چنان افراد را در نشئه فرو می برد که حالتی شبیه به مستی به آنها دست می دهد؛ البته گاه به این مرحله نمی رسد اما در عین حال تخدیر خفیف ایجاد می شود.^۳ از پیامبر اکرم(ص) در این زمینه نیز نقل شده که فرمودند: «هر چه که زیادش مست می کند از کمش نیز اجتناب کنید.»^۴

توجه دقیق به بیوگرافی مشاهیر موسیقی دانان، نشان می دهد: در دوران عمر، به تدریج دچار ناراحتیهای روحی گردیده اند، تا آنجا که رفته رفته اعصاب خود را از دست داده، عده ای مبتلا به بیماری های روانی شده، گروهی شاعر خود را از کف داده و به دیار جنون رهسپار شده اند،

^۱ تفسیر نمونه، ج ۱۷، ص ۳۶، به نقل از وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۲۳۵

^۲ نهج الفصاحه، حدیث ۶۱

^۳ همان، صص ۳۶ و ۳۷

^۴ نهج الفصاحه، حدیث ۹۶۴

دسته ای فلج و ناتوان گردیده و بعضی هنگام نواختن موسیقی، درجه فشار خونشان بالا رفته و دچار سکتة ناگهانی شده اند.^۱

۴. غنا، ابزار کار استعمارگران:

استعمارگران جهان، همیشه از بیداری مردم و به خصوص نسل جوان وحشت داشته اند و به همین دلیل بخشی از برنامه های گسترده آنها برای ادامه استعمار، فروبردن جامعه ها در غفلت و بی خبری و نا آگاهی و گسترش انواع سرگرمی های ناسالم است.

امروز، مواد مخدر، تنها جنبه تجارتي ندارد، بلکه یکی از ابزار مهم سياست های استعماری است. ایجاد مراکز فحشاء، کلوپ های قمار و همچنين سرگرمی های ناسالم ديگر و از جمله توسعه غنا و موسیقی یکی از مهمترین ابزاری است که آنها برای تخدیر افکار مردم بر آن اصرار دارند و به همین دلیل قسمت عمده وقت رادیو های جهان را موسیقی تشکیل می دهد و از برنامه های عمده وسایل ارتباط جمعی همین موضوع است.^۲

قرآن کریم صراحتاً در سوره اسراء می فرماید: «گوش و چشم و دل، همه مسؤولند.»^۳ انسان باید نگهبان گوش و چشم و دل خود باشد و اجازه ندهد تا هر ندایی وارد آن شود. همانطور که در حدیثی می خوانیم: «دل حرم خداست، نگذارید غیر خدا وارد آن شود.»^۴

آیا اگر یک حافظه رایانه ای به ما بدهند که پاک شدنی نیست ما حاضریم هر صدایی را در آن ضبط کنیم؟ آیا حاضریم اطلاعاتی را در آن وارد کنیم که فقط جنبه سرگرمی دارد؟ اگر آنها با اینگونه چیزها پر کنیم تا دیگر جایی برای مطالب مفید نباشد حسرت نمی خوریم؟ پس چرا می خواهیم ذهن و حافظه خود را که یک نعمت بزرگ الهی است تا به وسیله آن به کمال برسیم را با اینگونه مطالب بی فایده و حتی مضر پر کنیم؟

^۱ تفسیر نمونه، ج ۱۷، ص ۳۷، به نقل از تأثیر موسیقی بر روان و اعصاب، ص ۲۶

^۲ تفسیر نمونه، ج ۱۷، ص ۳۸

^۳ سوره اسراء / ۳۶

^۴ تفسیر سوره لقمان، ص ۲۳، به نقل از بحار، ج ۶۷، ص ۲۵

امام کاظم(ع) فرمودند: «به هر صدایی که گوش دهی برده او هستی.»^۱ آیا حیف نیست که ما برده یک انسان فاسد باشیم؟ خدا ما را برای بندگی خودش آفرید و آیا حیف نیست که چنین مولایی را رها کنیم و بنده دیگری باشیم.

اسلام وقتی که از چیزی منع می کند راه درست را نیز پیش پای ما می گذارد. وقتی از غنا منع می کند برای برطرف کردن خستگی و ایجاد نشاط، راه های مناسب و سالمی را نیز به ما ارائه می کند.

اسلام ما را به سیر و سفر، ورزش و شنا، کارهای متنوع و مفید، دید و بازدید، گفتگوهای علمی و انتقال تجربه، رابطه با فرهیختگان و مهمتر از همه ارتباط با آفریدگار هستی و یاد او که تنها آرام بخش دلهاست سفارش کرده است.^۲

چرا خود را با گناه سر گرم کنیم در حالیکه امام علی(ع) فرموده اند: «هرکس با گناه و از طریق آن لذت جویی کند، خداوند او را خوار و ذلیل می نماید.»^۳

^۱ تفسیر سوره لقمان، ص ۲۲

^۲ تفسیر سوره لقمان، ص ۲۳

^۳ تفسیر سوره لقمان، ص ۲۳، به نقل از غرر الحکم، حدیث ۳۵۶۵

شرک ، ظلمی عظیم

بعد از معرفی لقمان و علم و حکمت او ، به نخستین پند و اندرز وی که مهمترین توصیه به فرزندش می باشد ، اشاره کرده و چنین می فرماید : « (به خاطر بیاور) هنگامی را که لقمان به فرزندش - در حالی که او را موعظه می کرد - گفت : پسرم! چیزی را همتای خدا قرار مده که شرک ، ظلم بزرگی است .»

حکمت لقمان ایجاب می کند قبل از هر چیز ، به سراغ اساسی ترین مسأله عقیدتی برود و آن مسأله توحید است ، توحید در تمام زمینه ها و ابعاد ، زیرا هر حرکت تخریبی و ضد الهی از شرک سرچشمه می گیرد ، از دنیا پرستی ، مقام پرستی ، هوا پرستی و مانند آن که هر کدام شاخه ای از شرک محسوب می شود .

همانگونه که اساس تمام حرکت های صحیح و سازنده ، توحید است ، یعنی تنها دل به خدا بستن ، سر به فرمان او نهادن ، از غیر او بریدن و همه بتها را در آستان کبرئاتی او در هم شکستن!^۱

با توجه به این متن و همین طور مطالعه تفاسیر دیگر می توان به این مسأله پی برد که شرک تنها به معنی بت پرستی نیست بلکه وابستگی به هر قدرت ، مقام ، مال ، مدرک ، قبیله و هر امری که در جهت خدا نباشد شرک است .^۲ در تفسیر نسیم حیات نمونه ای ذکر شده که ما به همان نمونه اکتفا می کنیم:

وقتی انسان خشمگین شد تصمیم می گیرد انتقام سختی بگیرد . یک مرتبه متذکر می شود که این تصمیم من است ولی فتوای خدا چیزی غیر از این است ، پس باید نظر خود را فدای حکم خدا کند .

حال اگر جامعه ای موحد باشد ، سلامت آن جامعه تأمین شده است . لذا فرمود شرک ظلم بزرگی است . برای اینکه وقتی کسی حق خدا را ضایع کند و افعال و ربوبیت او را به این و آن نسبت دهد ، حقوق دیگران را هم تضییع خواهد کرد . ولی موحد ، مقید است که حق خدا را حفظ کند ، طبعاً حقوق بندگان خدا را ضرورتاً حفظ خواهد کرد .^۳

^۱ تفسیر نمونه ، ج ۱۷ ، صص ۴۹ و ۵۰

^۲ تفسیر سوره لقمان ، ص ۳۸

^۳ تفسیر نسیم حیات ، ج ۲۱ ، ص ۱۶۰

شرک معنای وسیع و گسترده ای دارد که بارزترین آن شرک به معنای بت پرستی است و این نوع شرک، به فتوای فقها موجب خروج از جرگه دین و سبب ارتداد انسان می شود.

شرک معانی دیگری نیز دارد: اطاعت بی چون و چرا از غیر خدا و یا پیروی از هوای نفس که قرآن می فرماید: «وهمانا فرستادیم در هر امتی رسولی، که خدا را عبادت کنید و از طاغوت اجتناب کنید.»^۱ یا می خوانیم: «آیا ندیدی کسی که هوای نفس خود را خدای خود قرار داده است.»^۲

در روایات آمده است که پیامبر(ص) از شرک اصغر که شامل همین موارد می شود در آخر الزمان نگران بودند. همان طور که در قرآن کریم هم آمده است: «و بیشتر آنها که مدعی ایمان به خدا هستند، مشرکند!»^۳

در روایت آمده است که اینگونه شرک، از حرکت مورچه در شب تاریک بر سنگ سیاه، پوشیده تر است.^۴

اکنون در باره آثار، نشانه ها و انگیزه های شرک از دیدگاه تفسیر نور می پردازیم:

آثار شرک

۱. حبط اعمال:

شرک، کارهای خوب انسان را از بین می برد، همانگونه که آتش درختان سبز یک جنگل را از بین می برد. قرآن، خطاب به پیامبر می فرماید: «لَئِنْ أَشْرَكْتَ لَيَحْبَطَنَّ عَمَلُكَ»^۵ اگر مشرک شوی، تمام اعمالت نابود می شود.

۲. اضطراب و نگرانی:

هدف یک فرد خدا پرست و موحد، راضی کردن خدای یکتاست که زود راضی می شود؛ اما کسی که به جای خدا در فکر راضی کردن دیگران

^۱ سوره نحل / ۳۶

^۲ سوره جاثیه / ۲۳

^۳ تفسیر سوره لقمان، ص ۳۷

^۴ سوره یوسف / ۱۰۶

^۵ تفسیر سوره لقمان، ص ۳۸

^۶ سوره زمر / ۶۵

باشد ، دائماً گرفتار اضطراب و نگرانی است . زیرا تعداد مردم زیاد است و هرکدام هم خواسته ها و توقعات گوناگونی دارند .

حضرت یوسف(ع) در زندان به دوستان مشرک خود فرمود: «أَرْبَابٌ مُتَّفَقُونَ خَيْرٌ أَمِ اللَّهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ» ، آیا چند سرپرست و ارباب بهتر است یا یک خدای واحد ؟

قرآن می فرماید: مثال کسی که از خدا جدا شود ، مثال کسی است که از آسمان پرتاب شود و طعمه انواع پرندگان قرار گیرد و هر ذره او به مکان دوری پرتاب شود . «وَمَنْ يَشْرِكْ بِاللَّهِ فَكَأَنَّمَا خَرَّ مِنَ السَّمَاءِ فَتَخْطَفُهُ الطَّيْرُ أَوْ تَهْوِي بِهِ الرِّيحُ فِي مَكَانٍ سَحِيقٍ»^۱

آری توحید و بندگی خالص خداوند ، قلعه محکمی است که انسان را از هدر رفتن ، به هر کسی دل بستن ، دور هر کس چرخیدن ، به هر کس امید داشتن ، تملق و ستایش هر کس و ترسیدن از هر کس ، حفظ می کند . در حدیث می خوانیم: «كَلِمَةُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حَصْنِي فَمَنْ دَخَلَ حَصْنِي أَمِنَ مِنْ عَذَابِي»^۲، توحید قلعه و دژ محکمی است که هر کس در آن وارد شود ، از عذاب خداوند در امان خواهد بود .

۳. اختلاف و تفرقه:

در جامعه توحیدی ، محور همه چیز خداوند است ، رهبر ، قانون و راه را خدا تعیین می کند و همه امور دور همان محور می چرخند ، ولی در جامعه شرک آلود ، به جای خدای واحد ، طاغوت ها ، سلیقه ها و راه های متعدد وجود دارد و مردم را دچار اختلاف و تفرقه می نماید . قرآن می فرماید: «وَلَا تَكُونُوا مِنَ الْمُشْرِكِينَ مِنَ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ»^۳ از مشرکان نباشید ، از کسانی که (به خاطر سلیقه های شخصی و نظریات از پیش ساخته) ، عامل تفرقه می شوند .

^۱ سوره حج / ۳۱

^۲ بحار ، ج ۴۹ ، ص ۱۲۷

^۳ سوره روم / ۳۱ و ۳۲

۴. خواری و ذلت در قیامت:

قرآن می فرماید: «وَلَا تَجْعَلْ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ فَتُلْقَى فِي جَهَنَّمَ مَلُومًا مَدْحُورًا»^۱ با خدای واحد، معبود دیگری قرار ندهید که با ملامت به دوزخ پرتاب خواهید شد.

نشانه های شرک

یکی از نشانه های شرک، بهانه گیری در برابر قانون الهی است. قرآن به بعضی از آنها اشاره نموده، می فرماید:

- آیا هرگاه پیامبر، قانونی آورد که با سلیقه شما هماهنگ نبود، تکبر ورزیدید؟^۲
- همین که فرمان جهاد می رسید، می گفتند: چرا به ما دستور جنگ و جهاد دادید؟^۳
- هنگامیکه غذا برای گروهی از بنی اسرائیل رسید گفتند: چرا این غذا؟^۴
- هرگاه خداوند مثالی می زد، می گفتند: چرا این مثال؟

نشانه دیگر شرک، برتری دادن فامیل، مال، مقام و ... بر اجرای دستور خداست. در آیه ۲۴ سوره توبه می خوانیم: اگر پدران، فرزندان، برادران، همسران، فامیل، ثروت، تجارت و مسکن نزد شما از خدا و رسول و جهاد در راه او محبوب تر باشد، منتظر قهر خدا باشید.

شرک به قدری خطرناک است که با وجود آن قرآن چهار مرتبه در کنار توحید، به احسان والدین سفارش کرده؛ اما اگر والدین فرزند خود را به غیر خدا فرا خوانند، قرآن می فرماید: نباید از آنها اطاعت کرد.^۵

انگیزه های شرک

مردم یا به خاطر قدرت به سراغ کسی می روند که قرآن می فرماید: تمام مردم حتی قدرت آفریدن مگس را ندارند «لَنْ يَخْلُقُوا ذُبَابًا وَلَوْ اجْتَمَعُوا لَهُ»^۶

^۱ سوره اسراء / ۳۹

^۲ سوره بقره / ۸۷

^۳ سوره نساء / ۷۷

^۴ سوره بقره / ۶۱

^۵ سوره عنکبوت / ۸ و سوره لقمان / ۱۵

^۶ سوره حج / ۷۳

یا به خاطر لقمه نانی به سراغ این و آن می روند که قرآن می فرماید: «لَا

يُكُونُ لَكُمْ رِزْقًا»^۱

یا به خاطر رسیدن به عزت به سراغ کسی می روند که قرآن می فرماید: «فَلِإِنَّ

الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا»^۲

یا به خاطر نجات از مشکلات، دور کسی جمع می شوند که قرآن می فرماید:

«فَلَا يَمْلِكُونَ كَشْفَ الضَّرِّ عَنْكُمْ»^۳

و در جای دیگر می فرماید: کسانی که به جای خدا به سراغشان می روید،

بندگانی مثل خودتان هستند «إِنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ عِبَادٌ أَمْثَلُكُمْ»^۴ چرا

شما بهترین آفریننده را رها می کنید و به دیگران توجه دارید؟ «تَذُرُونَ أَحْسَنَ

الْحَالِقِينَ»^۵

مبارزه با شرک

اولین پیام و هدف تمام انبیاء، مبارزه با شرک و دعوت به بندگی خالصانه

خداوند است «وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ»^۶

تمام گناهان، مورد عفو قرار می گیرد، جز شرک. «إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ

بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ»^۷ انبیاء مأمور بودند با صراحت کامل از انواع شرک ها برائت

جویند.^۸ شریک قرار دادن برای خداوند مردود است، گرچه درصد آن بسیار کم

باشد. اگر ۹۹٪ کار برای خداوند و تنها ۱٪ آن برای غیر خدا باشد، تمام کار باطل

است. چنان که قرآن می فرماید: «وَاعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا»^۹

نه تنها بت ها و طاغوت ها، بلکه انبیاء و اولیای الهی نیز نباید شریک خداوند

قرار گیرند. خداوند به حضرت عیسی می فرماید: «آیا تو به مردم گفتی که من و

^۱ سوره عنکبوت / ۱۷

^۲ سوره نساء / ۱۳۹

^۳ سوره اسراء / ۵۶

^۴ سوره اعراف / ۱۹۴

^۵ سوره صافات / ۱۲۵

^۶ سوره نحل / ۳۶

^۷ سوره نساء / ۴۸ و ۱۱۶

^۸ سوره هود / ۵۴

^۹ سوره نساء / ۳۶

مادرم را شریک خدا قرار دهید؟^۱ «شریک دانستن برای خداوند، افترا، تهمت و گناه بزرگ است.»^۲

شرک به قدری منفور است که خداوند می فرماید: «پیامبر و مومنان حق ندارند برای مشرکان، حتی اگر از خویشاوندان باشند، استغفار نمایند.»^۳

اسلام، با استدلال و منطق به مبارزه با شرک می پردازد و می فرماید: «غیر خدا چه آفریده که شما به آن دل بسته اید؟!»^۴ و مرگ و حیات شما به دست کیست؟ عزت و ذلت شما به دست کیست؟

آری، رها کردن خداوندی که که قدرت و علم بی نهایت دارد و به سراغ افراد و اشیائی رفتن که هیچ کاری به دستشان نیست، بزرگترین ظلم به انسانیت است. اسیر جماد و انسان شدن و تکیه به صنعت کردن و کمک از عاجز خواستن خردمندانه نیست. یکی از اهداف نقل داستان ها و تاریخ گذشتگان در قرآن، ریشه کن کردن رگه های شرک است.

^۱ سوره مائده / ۱۱۶

^۲ سوره نساء / ۴۸

^۳ سوره توبه / ۱۰

^۴ سوره فاطر / ۴۰

غرور و تکبر

این دام یکی از دام های اخلاقی شیطان است و با همین رذیلت اخلاقی بود که شیطان رانده شد و می خواهد ما را هم با این دام رانده درگاه الهی کند .

امروز در این جهان به ظاهر متمدن ، انسان ها رذیلت هایی را پیدا کرده اند که قبلا نبود یا رذیلت هایی که قبلا کم رنگتر بود پر رنگتر شده و این تنها محدود به چند کشور نمی شود و هرکجا که تمدن غربی به آنجا وارد شده از این رذیلت ها فیض برده . حقا که جاهلیت مدرن ، متن اصلی تمدن غرب است هرچند که در ظاهر بسیار زیبا و مدرن به نظر می رسد .

یکی از این رذیلت ها تکبر و غرور است ولی این ها قبلا هم بودند ولی آیا به این شکل ؟ آیا اینهمه فیلم ماهواره ای که به زبان فارسی ساخته می شود و یا حتی فیلم هایی که در داخل ترجمه می شود در تقویت این تفکر مؤثر نبوده است ؟ آیا اتفاقاتی که قبل از انقلاب افتاد تأثیری در شدت گرفتن این افکار نداشتند ؟

تصعیر نوعی بیماری است که شتر به آن گرفتار می شود و گردنش را کج می کند .^۱ امروز نیز کمی نگاه به افراد جامعه نشان می دهد که افرادی که به فرهنگ و تمدن غربی روی آورده اند احساس برتری می کنند و نوعی قیافه روشن فکرانه به خود می گیرند و به تعبیر قرآن گردن خود را کج می کنند که انگار فیلسوف هستند و همه چیز را می دانند . وقتی یک دختر بی حجاب و بی بند و بار که فکر می کند با برداشتن حجاب فکرش بازتر شده به یک دختر محترم با حجاب نگاه تحقیر آمیز می کند نشان می دهد که در جاهلیتی غرق شده که شاید تا امروز نظیرش وجود نداشته است .

آمار های داخلی نشان می دهد دلیل بسیاری از تصادفات رانندگی که در جاده ها رخ می دهد این است که فرد فکر می کند هیچ کس از او نباید سبقت بگیرد و او از همه سر تر است .

اینکه اینها از خارج از فرهنگ ما به آن وارد شده جای بحث ندارد ولی امروز که همه چیز در اختیار ماست و می دانیم که دینمان چه دستوراتی به ما داده چرا باز

^۱ تفسیر سوره لقمان ، ص ۶۵

شاهد گسترش بی فرهنگی در جامعه هستیم . هر چند که صدای تبلیغات منفی بیشتر باشد ولی صدای حرف حق رساتر است .

آداب اجتماعی پیامبر رحمت(ص) به گونه ای بود که وقتی کسی با او حرف می زد و یا جواب سلام کسی را می شنید ، با تمام صورت و تمام قامت به سوی او اقبال می کرد ؛ نه آنکه فقط صورت خود را به سوی طرف برگرداند .^۱

وقتی لقمان به مسائل اخلاقی در ارتباط با مردم و خویشان می پردازد نخست تواضع و فروتنی را توصیه کرده و می گوید : « با بی اعتنایی از مردم روی مگردان » و مغرورانه بر روی زمین راه نرو « خداوند هیچ متکبر مغروری را دوست ندارد »

و اما تفاوت **مختال** و **فخور** در این است که اولی اشاره به تخیلات کبر آلود ذهنی است و دومی به اعمال کبر آمیز خارجی .^۲

تکبر ، هم توهین به مردم است ، هم زمینه ساز رشد کدورت های جدید و هم تحریک کننده کینه های درونی قدیم . در حدیث می خوانیم : « هر کس با تکبر در زمین راه رود ، زمین و هر موجودی که زیر آن و روی آن است او را لعنت می کنند .^۳»

غرور و احساس خود بزرگ بینی نوعی فریب باطنی است که آدمی را به اشتباه می اندازد و رفتار های متکبرانه با مردم ، انسان را از چشم می اندازد.

مراد لقمان از این توصیه ها ، مبارزه یا تمام مظاهر تکبر و غرور است که حتی شامل چشم و هم چشمی ها نیز می شود که برای برتری جویی وسایل زندگی و لباس و مرکب برتر را انتخاب می کند تا در میان مردم یک سر و گردن بالاتر شود .^۴

با توجه به ریشه لغوی **صعر** روشن می شود که این گونه صفات یک نوع بیماری روانی و اخلاقی هستند و یک انسان سالم از نظر روح و روان ، هرگز گرفتار اینگونه تخیلات نمی شود.^۵

^۱ تفسیر نسیم حیات ، ج ۲۱ ، ص ۱۷۰

^۲ تفسیر نمونه ، ج ۱۷ ، ص ۶۵

^۳ تفسیر سوره لقمان ، ص ۶۵ ، به نقل از تفسیر نور الثقلین

^۴ تفسیر نسیم حیات ، ج ۲۱ ، ص ۱۷۰

^۵ تفسیر نمونه ، ج ۱۷ ، ص ۶۶

نتیجه

دام های شیطان بی شمار است و این ها فقط نمونه ای کوچک از آنها بودند . نمی شود که تک تک دام های شیطان برای همه شرح داده شود و این خود فرد است که باید بصیرت داشته باشد و خوب ببیند تا در دام نیفتد .

در روایات داریم که پیامبر اعظم (ص) از شرک اصغر در آخرالزمان بیم داشتند ؛ نه این که دوباره بتها پرستیده شوند بلکه مواردی مثل مقام و مال و ثروت جای خدا را در دلها بگیرند . همینها هستند که راه را برای شیطان باز می کنند تا دام های خود را پهن کند مگر نه دامهای شیطان برای کسی که جز خدا را در دل خود راه نمی دهد و تنها با یاد او آرام می شود کار ساز نیست .

امروز وقتی که موسیقی به عنوان غذای روح معرفی می شود و یا فیلم های مبتذل و بی محتوا اوقات فراغت را پر می کنند یعنی شرک ، یعنی خدا را کم رنگ نشان دادن .

چرا گاهی به برخی کارهایی که در غرب اتفاق می افتد توجه می کنیم و می گوییم این هم از کافران ؛ ما که مسلمانیم اینجور هستیم و آنها که کافر اند آن جور در حالیکه هر ویژگی مثبتی که آنها امروز به آن رسیده اند ۱۴۰۰ سال پیش اسلام به ما داده است ؟ آیا دیگر بس نیست که از دیگران تقلید کنیم ؟ آیا هنوز زمان آن نرسیده است که فرهنگمان را از قرآن که غنی ترین کتاب زندگی است بگیریم ؟ آیا هنوز زمان آن نرسیده که اخلاق قرآنی داشته باشیم ؟

مطالعه تاریخ و تحلیل با بصیرت آن به ما می فهماند که هر یک از مشکلات فرهنگی که امروزه در اطرافمان مشاهده می کنیم مربوط به دوره خاصی است و از دوره خاصی وارد فرهنگ ما شده مثل تملق و چاپلوسی که معروف است و از زمان حمله مغول ها آمده و یا فرهنگ بیگانه پرستی و بی بند و باری پس از استعمار انگلیس و فرانسه و نادانی و روشن فکر نمایی پس از ورود آمریکا . وقتی که کم کم نوع پوشش غربی وارد کشور شد ، افرادی که از آنها استفاده می کردند احساس می کردند از دیگران محترم تر اند و این همان جایی بود که خیال برتر بودن از دیگران رشد کرد . وقتی عده ای تحصیل کرده وطن خود را از یاد بردند و به هم وطنان خود فخر فروشی کردند و وقتی که کافه های فرانسوی وارد ایران شدند و ...

آیا این چشم و هم چشمی ها از قبل در فرهنگ مردم ما بوده یا بعد ها به آن وارد شده؟ استفاده از وسایل خارجی که تا قبل از آن در ایران وجود نداشتند و فقط عده ای صاحب قدرت قبل از انقلاب می توانستند از آنها استفاده کنند چنان حسرتی در دل مردم وارد کرد که شاید هنوز هم از دل‌های مردم خارج نشده. فیلم‌های ماهواره ای هم بعد از انقلاب به جان این مردم افتادند و چشم و هم چشمی را ترویج دادند. وقتی که یک بچه ۱۰ ساله تبلتی را در دست خود می گیرد و به آن افتخار می کند و فکر می کند از دیگر بچه ها بهتر است در حالیکه شاید حتی نمی داند با این وسیله چه کارها می توان کرد و تنها به بزرگی صفحه آن و نام شرکت سازنده اش می نازد. چنین فردی مطمئناً از لحاظ روحی چنان آسیب‌هایی می بیند که شاید تا آخر عمرش هم نتوان آنرا جبران کرد. شاید بپرسید که هدف غرب از ترویج چشم و هم چشمی چیست؟ جواب این سوال کاملاً واضح است. کسی که برای پول در آوردن حاضر است اعضای بدن انسان‌ها را قاچاق کند برای افزایش فروش کالا‌های خود از هیچ روشی چشم پوشی نمی کند و می تواند کاری کند که هر فرد وقتی وسیله تازه ای در بازار دید برای اینکه زودتر از دیگران آنرا داشته باشد برای خریدش عجله ای دیوانه وار کند. و در واقع ما با این کارها نه تنها گناه اسراف و تکبر و بداخلاقی‌های دیگر را کسب می کنیم به دشمنان خودمان هم کمک می کنیم که پیشرفت کنند و برای مقابله و مبارزه با ما مجهز تر شوند.

آیا ما اسلام خود را از قرآن گرفته ایم یا از زبان این و آن؟ اگر همین الآن قرآن را باز کنیم و خود را با دستورات آن بسنجیم آیا شرمنده نخواهیم شد؟ امام صادق (ع) می فرماید که: «هر کس دین را از زبان این و آن (که متخصص و متعهد و بصیر نیستند) فرا بگیرد، سرانجام توسط همان‌ها از دین خارج می شود، ولی هر کس دین را از سر چشمه قرآن و سنت (و توسط متخصصان متعهد و بصیر) بیاموزد، کوه‌ها از هم متلاشی می شود ولی او همچنان مقاوم و استوار می ماند (نه از دین خارج می گردد و نه حتی نسبت به آن متزلزل می گردد)»^۱ دلیل این که برخی افراد با کوچکترین شبهه از دین خارج می شوند نیز همین است که دین را از منبع و سرچشمه آن نگرفته اند.

^۱ میزان الحکمه، ج ۲، ص ۹۵، حدیث ۶۲۹۷

تنها راهی که برای مقابله با دامهای زیبا و چشم نواز شیطان وجود دارد ایمان به خدا ، اعتماد به او و اندیشیدن قبل از عمل کردن است .

صد هزاران دام و دانه است ای خدا

ما چو مرغان حریصی بینوا

گر هزاران دام باشد هر قدم

چون تو با مایی نباشد هیچ غم